

Analysis of the Moral Intelligence Concept from the Point of View of the Conselling PhD Candidates: A Qualitative Study

Saeede Hamidi*
Javad Khodadadi Sangdeh**
Atousa Klantar Hormozi***

Introduction

Moral intelligence refers to the capacity to distinguish between true and false, practice strong moral beliefs and behave in a way that is morally right. This study aimed to investigate the perception of Counseling Ph.D. Candidates about Moral Intelligence.

Methodology

This research method was qualitative and based on the thematic analysis approach. The statistical population consisted of counseling Ph.D. Candidates of Allameh Tabatabaei University Counseling in the academic year 1399-1400 who had completed at least one year of their doctoral program. 13 participants were selected using a non-probability purposive sampling method. Sampling continued until data saturation was reached. Data was collected, coded, and categorized into themes using a manual method.

Results

The data content analysis identified 121 open-source codes, 30 sub-themes, 9 main themes, and kernel themes. The main themes and kernel themes were 1) self-management (maintaining intellectual and emotional control, abstinence, control, and self-care (virtue), mental health improvement, and internalizing moral norms), 2) moral-based conscious action (recognizing moral condition,

* MSc, Department of counseling, psychology and Educational Science Faculty, University of Allameh-Tabatabaei, Tehran, Iran. *Corresponding Author* saeede.hamidi@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of counseling, psychology and Educational Science Faculty, University of Allameh-Tabatabaei, Tehran, Iran.

*** Associate Professor, Department of counseling, psychology and Educational Science Faculty, University of Allameh-Tabatabaei, Tehran, Iran.

self-monitoring (consciousness), awareness of the effect of one's action on others, awareness of moral intelligence principles), 3) responsibility (loyalty, commitment to improving mental health, acceptance of the implications of one's decisions and actions, being responsive to the implications of one's actions, commitment to the rights of others), 4) attention to honesty (clearness in relation, integrity of speech and behavior, integrity of values, and individual performance), 5) having mercy (social interest, empathy, paying attention to the principle of usefulness, tendency to caring), 6) fairness (unfavorable use of social position, not to misuse of professional positions, the principle of what you like about yourself to like for others), 7) tolerance (psychological flexibility, reflection on speech action, patience in action), 8) paying attention to respect (respect for the cultural nature of phenomena, respect for the privacy of others, respectful behavior and speech), and 9) forgiveness (self-forgiveness, forgiveness (others)).

Conclusion

According to Counseling Ph.D. Candidates, moral intelligence is effective in their behavior. Developing moral intelligence by recognizing moral situations and acting based on ethical principles helps a person avoid harming themselves and others. Strengthening the moral intelligence of students can lead to the consolidation and development of values and commitments, therefore, moral-based performance in them, and consequently in society. The moral performance of experts in the field affects society directly, and paying more attention to the moral attitudes of individuals working in this field can lead to the development of ethical attitudes in society.

Keywords: Counseling candidates, moral intelligence, morality, phenomenology

Author Contributions: Author 2 was responsible for leading the overall research process. Author 1 was responsible for research plan design, data collection and analysis and all authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors thank all dears who have helped us in this research.

Conflicts of interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors

واکاوی مفهوم هوش اخلاقی از منظر دانشجویان مقطع دکتری مشاوره: یک پژوهش کیفی

سعیده حمیدی*

جواد خدادادی سنگده**

آتوسا کلانترهرمزی***

چکیده

هوش اخلاقی ظرفیت و توانایی درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست است. هدف پژوهش حاضر مطالعه ادراک دانشجویان مقطع دکتری مشاوره از مفهوم هوش اخلاقی بود. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون است. جامعه مورد مطالعه، دانشجویان مقطع دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، که حداقل یک سال از سنوات تحصیلی آنها در دوره دکتری گذشته باشد، بود. جمع‌آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت و تعداد ۱۳ مصاحبه فردی نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. داده‌ها جمع‌آوری، کدگذاری و در قالب شبکه مضامین به شیوه دستی دسته‌بندی گردید. نتایج حاصل از تحلیل مضمون داده‌ها در پاسخ به سؤال پژوهش به شناسایی ۱۲۱ کد باز، ۳۰ مضمون فرعی، ۹ مضمون اصلی و مضمون هسته‌ای منجر شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود دانشجویان هوش اخلاقی را کنشی آگاهانه، مدیریت‌کننده و چندوجهی می‌دانند که خیرخواهی، مسئولیت‌پذیری، انصاف‌محوری، احترام، شکیبایی، صداقت و گذشت وجوه آن می‌باشد. از منظر دانشجویان دکتری مشاوره، هوش اخلاقی در عمل و رفتار آنها تأثیرگذار است چراکه پرورش هوش اخلاقی با تشخیص موقعیت اخلاقی و عملکرد براساس اصول اخلاق به فرد کمک می‌کند از آسیب زدن به خود و دیگران جلوگیری کند. این امر در مورد رشته‌های یاری‌گر همچون مشاوره اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق، پدیدار شناسی، دانشجویان مشاوره، هوش اخلاقی

* کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)
saeede.hamidi@yahoo.com

** استادیار گروه آموزشی مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
*** دانشیار گروه آموزشی مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مقدمه

هوش یک مفهوم عمومی جهان شمول است که با توانایی ادراکی ارتباط دارد (Beheshtifar et al., 2011). این مفهوم، بیشتر به توانایی یادگیری و تفکر مرتبط بوده و عموماً برای توصیف به کارگیری مهارت‌ها و وقایع به کار رفته است (Clarken, 2009). افراد از نظر سطح هوش با هم متفاوتند. این تفاوت‌ها، تحت تأثیر ترکیب متغیرهای فطری، وراثت و ویژگی‌های اکتسابی افراد است (Rahimi, 2011). اخلاق به عنوان مجموعه‌ای از اصول تعریف شده است که به عنوان منشوری برای راهنمایی و هدایت به کار می‌رود (Bahrami et al., 2013).

در دو دهه اخیر اصطلاح جدیدی با عنوان هوش اخلاقی توسط Borba (2005) معرفی شد که عبارتست از ظرفیت و توانایی تشخیص درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست (Borba, 2005). این امر با اثرگذاری بر استدلال اخلاقی صورت می‌گیرد (Kubzansky et al., 2018). هوش اخلاقی از منظر Lennick and Kiel (2005) ظرفیت روانی انسان برای تعیین این امر است که چگونه اصول جهان شمول اخلاق انسانی در مجموعه اهداف و ارزش‌های فردی، و عملکردهای او به کار گرفته می‌شود. از نگاه Clarken (2009)، به عنوان توانایی اعمال اصول اخلاقی در اهداف، ارزش‌ها و عملکردها و نیز از منظر Martin et al. (2009) باور عمیق به ارزش‌ها و اصولی که تمامی افکار و رفتارهای فرد را هدایت می‌کند، تعریف شده است. این مفهوم شامل توجه به زندگی انسان، ارزش نهادن به حقوق انسانی، ظرفیت والای درک درست از نادرست و ترجیح معیارهای متعالی در مقابل نفع شخصی است (Jafari et al., 2020).

به‌طور کلی می‌توان گفت وجود هوش اخلاقی پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی را افزایش می‌دهد و تفکر قبل از عمل و خویش‌داری در هنگام مواجهه با مشکلات روانی و وسوسه‌ها را تقویت می‌کند (Shahbazian Khonigh et al., 2020) که این خود منجر به بهبود عملکرد فردی، اجتماعی و حرفه‌ای فرد می‌گردد (Rathore et al., 2020). این مفهوم از نظر Borba (2005) دارای هفت اصل است. همدلی (empathy)؛ که شامل تشخیص احساسات، علایق و نیازهای افراد و تمایل بیشتر به یاری افراد است. هوشیاری (consciousness)؛ دانستن راه درست و عمل کردن به آن است. خودکنترلی (self-control)؛

کنترل و تنظیم تفکرات و اعمال خود، به طوری که فرد در برابر فشارهای درونی و بیرونی ایستادگی کند و در هماهنگی با همان روشی که احساس می‌کند درست است، عمل نماید. توجه و احترام (respect)؛ ارزش قائل شدن برای دیگران و رفتار با آن‌ها با ادب و ملاحظه، به این معنا که فرد با دیگران همان‌گونه رفتار کند، که دوست دارد با خودش رفتار شود. مهربانی (kidness)؛ شامل توجه به نیازها و احساسات دیگران و محبت به آن‌ها بخصوص افرادی که دچار مشکل شده‌اند، است. صبر و بردباری (tolerance)؛ احترام به شأن و حقوق افراد حتی کسانی که عقاید و رفتارشان در تضاد با ما است و نیز انصاف (fairness) که شامل درک شرایط دیگران و انتخاب و عمل به شیوه منصفانه و مبتنی بر منطقی است. (Lennick and Kiel, 2011, 2015) وجود چهار اصل هوش اخلاقی را موفقیت مداوم سازمانی و شخصی ضروری می‌دانند. صداقت و درستکاری (integrity)؛ صداقت در عمل به آنچه که به درستی آن باور داریم و راستگویی در تمام موقعیت‌ها و زمان‌ها. مسئولیت‌پذیری (responsibility)؛ به معنای پذیرش مسئولیت عملکردهای خود و پیامدهای حاصل از آن. دلسوزی (compassion)؛ به معنای توجه به دیگران و احساس وظیفه نسبت به مراقبت از سایر افراد که این امر دارای تأثیر متقابل است. گذشت (forgiveness)؛ تحمل اشتباهات و نقصان‌های خود و دیگران که البته این امر به معنی صرف‌نظر یا کاهش استانداردهای اخلاقی نیست (Lennick & Kiel, 2005).

مطالعه (Aras, 2022) به بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و رفتارهای رهبری اخلاقی رهبران دانشگاهی پرداخت. نتایج نشانگر وجود رابطه معنی‌دار و قوی بین هوش اخلاقی و رفتار رهبری اخلاقی بود. نتایج پژوهش همچنان حاکی از این امر بود که همدلی، خودکنترلی و مهربانی که زیرمقیاس‌های هوش اخلاقی هستند بر رفتار رهبری اخلاقی مؤثر هستند. (Eldesoki and Alanazi, 2020) به مطالعه‌ای با هدف بررسی اثربخشی یک برنامه مشاوره‌ای مبتنی بر درمان وجودی بر رشد هوش اخلاقی و بخشش بر روی دانش‌آموزان بی‌سرپرست در دوره متوسطه پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از اثربخشی برنامه مشاوره مبتنی بر درمان وجودی در بهبود و رشد هوش اخلاقی و نیز کمک به بهبود درک روش‌های مورد استفاده در قضاوت در مورد اعمال درست و نادرست بود. مطالعه‌ای توسط

Naqashzadeh and Sabahizadeh (2016) با هدف بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول انجام شد. نتایج حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه آزمایشی و گواه از حیث تأثیر مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر تعامل اجتماعی بود. نتایج نشان داد که هوش اخلاقی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا فعالیت‌های شخصی و آموزشی را مطابق با هدف اخلاقی و تربیتی دنبال کنند و برای رسیدن به آنها با یکدیگر تعامل و همکاری کنند. در بین مطالعات داخلی نیز یافته‌های پژوهش Afshani and Abooei (2022) نشان داد متغیرهای هوش معنوی و هوش اخلاقی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سبک زندگی دارند به طوری که می‌توانند سبک زندگی را پیش‌بینی کنند. همچنین نتایج نشان داد تأثیر هوش معنوی بر سبک زندگی قوی‌تر از هوش اخلاقی بوده است. پژوهشی تحت عنوان تأثیر واقعیت‌درمانی به شیوه گروهی بر هوش اخلاقی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان، توسط Abdolahzadeh (2021) انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که بین گروه آزمایشی و گواه در متغیر هوش اخلاقی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که استفاده از محتوا و دست‌والعمل‌های واقعیت‌درمانی در ارتقاء هوش اخلاقی و نیز سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار خواهد بود. نتایج پژوهش Eslamian and Zare (2020) با هدف تعیین رابطه سطح هوش اخلاقی و سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی، بیانگر آن بود که بین سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی و سطح هوش اخلاقی آن‌ها، رابطه معنی‌داری وجود داشته است. به صورتی که متغیر هوش اخلاقی می‌تواند تا ۵۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی سبک‌های تدریس را پیش‌بینی کند. Shahbazian Khonigh et al. (2019) در پژوهشی توصیفی با عنوان «بررسی نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در رفتارهای پرخطر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان»، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر رفتارهای پرخطر دانشجویان پرداختند. نتیجه پژوهش حاکی از این بود که دانشجویانی که ظرفیت اخلاقی بالایی دارند کمتر به سوی رفتارهای پرخطر کشیده می‌شوند.

انتقال و ترویج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی از جمله این وظایف مهم در مراکز دانشگاهی است (Fotouhi Ghazvini & Khazaie, 2009). دانشجویان مراحل جامعه‌پذیری را از طریق

تجربیات خود در نظام‌های دانشگاهی طی می‌کنند. به همین دلیل در بسیاری مواقع انتظارات جامعه بیش از آنکه به توسعه حرفه‌ای افراد مرتبط باشد، به توسعه اخلاقی آنان مربوط است (Al-Hussami et al., 2001). از این روی با توجه به اهمیت شغل مشاوره در حفظ و بهبود سلامت روانی افراد جامعه و نیز تأثیر هوش اخلاقی در کارکردهای شغلی و به دلیل عدم وجود پژوهش کافی در این زمینه، نیاز به بررسی کیفیت پرداختن به موضوع هوش اخلاقی در دانشجویان حوزه مشاوره وجود دارد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که میزان آشنایی دانشجویان دکتری مشاوره با هوش اخلاقی چقدر است و آنها چه ادراکی از این مفهوم دارند. اگرچه تحقیقات قابل توجهی در زمینه هوش اخلاقی انجام شده اما همچنان خلأ پژوهش در این حوزه، به ویژه در جوامع دانشگاهی مشهود است. این امر در مورد دانشجویان رشته‌های یاری‌گر چون مشاوره اهمیت بیشتری دارد چرا که عملکرد اخلاقی متخصصین این حوزه به‌طور مستقیم بر افراد جامعه تأثیرگذار است. از این روی پژوهش حاضر به بررسی ادراک دانشجویان دکتری مشاوره از هوش اخلاقی می‌پردازد.

روش

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این الگوی پیشنهادی از سه قسمت مرحله، گام و اقدام تشکیل شده است (Braun & Clarke, 2006). در این روش ابتدا توصیف شرکت‌کنندگان در مطالعه خوانده شد تا ادراکی کلی به دست آید. سپس عبارات مهم استخراج شدند. معانی عبارات مهم استخراج، فرمول‌بندی و کدگذاری شدند. کدهای شناسایی شده به صورت مضامین سازماندهی و طبقه‌بندی شده و در نهایت یافته‌ها در سه دسته مضامین اصلی، مضامین فرعی و مضمون هسته‌ای به دست آمد.

جامعه پژوهش عبارت بود از تمامی دانشجویان دوره دکتری مشاوره دانشگاه علامه- طباطبایی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشته باشند. ملاک‌های ورود افراد به پژوهش عبارت بود از اینکه، افراد حاضر در پژوهش در یکی از دوره‌های دکتری مشاوره

(روزانه، شبانه یا پردیس) در دانشگاه علامه طباطبایی مشغول به تحصیل باشند، دانشجویان شرکت‌کننده حداقل یک سال تحصیلی از دوره دکتری را گذرانده باشند و رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش در فرد وجود داشته باشد. نمونه پژوهش به شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی به شیوه هدفمند انتخاب شد؛ تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۳ نفر بود.

در این پژوهش برای تولید داده‌ها از روش مصاحبه فردی نیمه‌ساختاریافته که به لحاظ انعطاف‌پذیری و عمق مناسب پژوهش‌های کیفی است، استفاده شد. با هماهنگی قبلی مصاحبه با شرکت‌کنندگان آغاز شد. مصاحبه‌ها به صورت صوتی و آنلاین انجام شد. در هر مصاحبه ابتدا سؤالات کلی پرسیده شد سپس بر اساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها تا حد اشباع و حصول پاسخ‌های تکراری ادامه یافت. پس از انجام مصاحبه کلیه مکالمات ضبط‌شده، برای بررسی بیشتر کلمه به کلمه تایپ شد. سپس مصاحبه‌ها به روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این تحقیق به منظور رعایت اخلاق پژوهشی موارد مذکور مورد توجه قرار گرفت:

- ۱- سعی بر آن بود مصاحبه‌شونده‌ها رضایت آگاهانه و علاقه کافی برای انجام مصاحبه داشته باشند؛
- ۲- به افراد مشارکت‌کننده در پژوهش توضیحی کلی در مورد اهداف تحقیق داده شد؛
- ۳- در مورد حفظ رازداری و محافظت از اطلاعات ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان، به آن‌ها اطمینان خاطر داده شد؛
- ۴- در تحلیل مصاحبه‌ها از نام مستعار (کد) برای شرکت‌کنندگان استفاده گردید.

یافته‌ها

پژوهش حاضر به منظور مطالعه ادراک دانشجویان دکتری مشاوره از مفهوم هوش اخلاقی انجام شد. ۱۳ مشارکت‌کننده در پژوهش شامل ۹ زن و ۴ مرد، با دامنه سنی ۲۷ تا ۴۲ سال در پژوهش مشارکت کردند. حداقل مدت زمان اشتغال به حرفه مشاوره ۴ و حداکثر ۱۰ سال بود. دامنه ترم تحصیلی افراد در مقطع دکتری ۳ تا ۹ ترم بود. مضامین اصلی، فرعی و هسته‌ای مستخرج از مصاحبه‌ها پس از اشباع داده‌ها در فرآیند مصاحبه و تجزیه و تحلیل ادراک شرکت‌کنندگان در پژوهش از مفهوم هوش اخلاقی در جدول ۱ گزارش شده است.

Table 1.
Study on Perception of Ph. D Candidates of Moral Intelligence Concept

Sub themes	Main themes	Kernel theme
Maintaining intellectually and emotional controlling	self management	Students consider moral intelligence as a conscious, managerial and multifaceted action, which includes benevolence, responsibility, fairness, respect, patience, honesty and forgiveness are different aspects of it.
Abstinence, control and self-care (Virtue)		
Mental health improvement and internalizing moral norms		
Recognizing moral condition	Moral based Consciously action	
Self-monitoring (Consciousness)		
Awareness of the effect of one's action on the others		
Awareness about the moral intelligence principles		
Loyalty	Responsibleness	
Commitment to improvement of mental health		
Acceptance of the Implications of one's decisions and actions		
Being Responsive to implications of one's actions		
Commitment to the right of others		
Clearness in relation	Attention to honesty	
integrity of speech and behavior		
integrity of values and individual performance		
Social interest	Having Mercifulness	
Empathy		
Paying attention to the principle of usefulness		
Tendency to Caring		
Unfavorable use of social position	Fairness	
Not to misuse of professional positions		
The principle of what you like about yourself to like for others		
Psychological flexibility	Tolerance	
Reflection on speech action		
Patience in action		
Respect for the cultural nature of phenomena	Pay attention to respect	
Respect the privacy of others		
Respectful behavior and speech		
Self-forgiveness	forgiveness	
Forgiveness (the others)		

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در پاسخ به سؤال، پس از حصول اشیاع داده‌ها در فرآیند مصاحبه و تجزیه و تحلیل ادراک شرکت‌کنندگان در پژوهش از مفهوم هوش اخلاقی، در تحلیل داده‌ها ۱۲۱ کد باز، ۳۰ مضمون فرعی، ۹ مضمون اصلی و مضمون هسته‌ای شناسایی شد. مضامین اصلی شامل: خود‌نظم‌بخشی، کنش آگاهانه مبتنی بر اخلاق، مسئولیت‌پذیری، توجه به صداقت، برخورداری از نگرش خیرخواهی، انصاف‌محوری، بردباری، توجه به احترام و گذشت بودند. مضمون هسته‌ای این پژوهش عبارت است از: «دانشجویان هوش اخلاقی را کنشی آگاهانه، نظم‌بخش و چندوجهی می‌دانند که خیرخواهی، مسئولیت‌پذیری، انصاف‌محوری، احترام، شکیبایی، صداقت و گذشت وجوه آن می‌باشد».

بررسی عمیق نظر مصاحبه‌شوندگان، مقایسه مضامین به‌دست آمده در پاسخ به سؤال پژوهش با پژوهش‌های مرتبط و استفاده از نظر خبرگان منجر به تبیین مفاهیم ذیل شد:

۱- مدیریت خود (Self-management)

تنظیم و مدیریت احساسات و هیجانات شغلی، همچنین به عنوان یکی از نقش‌های شغلی در نظر گرفته می‌شود. این امر در مورد مشاغل خدماتی که در آن کارکنان ارتباط مستقیم و رودررویی با افراد جامعه دارند، یک موضوع محوری است (Haddadi Ahmadsarai et al., 2018). افرادی که در تماس مستقیم با هیجانات خود قرار دارند و قادرند آنها را به خوبی ارزیابی کنترل و تنظیم کنند، می‌توانند روابط خود با دیگران و موقعیت‌های پیش آمده را اداره کنند. این مهم به افزایش قدرت سازگاری فرد منجر می‌شود (Shahni Yilagh et al., 2011).

اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در این پژوهش تسلط فرد را بر خود از ارکان اساسی هوش اخلاقی ذکر کرده‌اند. با توجه به اینکه مدیریت خود با مؤلفه خویش‌داری و خودکنترلی که از ارکان هوش اخلاقی است همپوشانی قابل توجهی دارد، نتایج این پژوهش با نظر (Lennick and Kiel (2008)، Borba (2005) و یافته‌های (Shahbazian Khojin et al. (2020) همخوانی دارد. بر اساس نظر (Lennick and Kiel (2008)، یکی از اصول هوش اخلاقی عمل کردن بر اساس ارزش‌ها است. ارزش‌های نهادینه و درونی‌شده باعث می‌شوند تا

افراد تحمل بیشتری در برابر فشارهای روانی از خود نشان داده و از روش‌های حل مسأله سازگارانه‌تری برای حل مسائل استفاده نمایند. از منظر (Shahbazian Khojin et al. (2020 نیز هوش اخلاقی تفکر قبل از عمل و خودکنترلی در هنگام مواجهه با مشکلات روانی و وسوسه‌ها را افزایش می‌دهد. اگر باورها و ارزش‌های فردی در افراد رشد یابند این امر موجب افزایش خودکنترلی و کاهش هزینه‌های کنترل مستقیم برای سازمان‌ها و بالا رفتن احتمال موفقیت می‌شود. نتایج پژوهش حاضر حاکی از این واقعیت است که دانشجویان دکتری مشاوره از اهمیت مؤلفه مدیریت خود آگاه بوده و در تلاشند روندی را بکار گیرند که سلامت روان بالاتری را تجربه کنند که نتیجه آن برخورداری از ظرفیت روانی مطلوب است. این امر منجر به کنترل بهتر هیجانات و احساسات مختلف در فرد شده تا بتواند عملکردی شایسته و مطابق با اصول اخلاقی خود در مواجهه با مسائل داشته باشد.

۲- کنش آگاهانه مبتنی بر اخلاق (Moral based consciously action)

پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه اهمیت آموزش و آگاهی‌رسانی در پرورش هوش اخلاقی وجود دارد از جمله آنها می‌توان به پژوهش (Eldesoki and Abdolazadeh (2021 و (Alanazi (2020 و (Naqashzadeh and Sabahizadeh (2016 اشاره کرد. در پژوهش حاضر نیز تمامی مصاحبه‌شوندگان به اهمیت رکن آگاهی اذعان داشتند که این امر با پژوهش‌های انجام شده و همچنین با نظریه (Borba (2005 همسو است. از دیگر سو، شاید بتوان گفت اشاره تمام شرکت‌کنندگان به مفهوم آگاهی می‌تواند به دلیل اهمیت این مؤلفه در فرهنگ غنی ایران باشد. به گونه‌ای که ادبیات کهن فارسی آکنده از اشارات فراوان به اهمیت آگاهی در زندگی است. به عنوان مثال، فردوسی برای رهایی از گزندهایی که زیستن ما را در معرض تهدید قرار می‌دهد توصیه به آگاهی دارد.

۳- مسئولیت‌پذیری (Responsibleness)

اکثریت قریب به اتفاق افراد مشارکت‌کننده در پژوهش به اهمیت مسئولیت‌پذیری در پرورش هوش اخلاقی باور دارند. یافته‌های پژوهش ضمن همخوانی با نظر (Lennick and Kiel (2005 و نتایج پژوهش (Narimani et al. (2018، (Bakhtiari and Soleimani (2018 و

Bahrami et al. (2013) همسو می‌باشد. نتایج پژوهش Narimani et al. (2018) نشان داد هوش اخلاقی بالاتر عملکرد بالاتر و مسئولیت‌پذیری بیشتر را به همراه دارد. از منظر شرکت-کنندگان در پژوهش نیز مسئولیت‌پذیری بیان از هوش اخلاقی بالا در فرد دارد. مسئولیت-پذیری منجر به ایجاد یک جهان‌بینی منسجم در فرد شده و سبب می‌شود فرد با دید دقیق‌تری به وظایف انسانی خود بنگرد و با پذیرش پیامدهای مثبت و منفی تصمیمات و عملکرد خود، توجه و تلاش بیشتری در پاسخ‌گویی نسبت به رفتار و عملکرد خود داشته باشد.

۴- توجه به صداقت (Attention to honesty)

در تبیین یافته فوق و اهمیت مؤلفه درستکاری (Lennick and Kiel (2005) بر این باورند که صداقت به ایجاد هماهنگی بین اعتقادات و اعمال افراد تأکید دارد. یعنی انجام دادن کاری که به درستی آن باور داریم. افرادی که صداقت و درستکاری را در خود درونی کرده‌اند، در گفتار و عملکرد خود صادق هستند. براساس تعریف (Lau and Idris (2005) صداقت به معنی عمل به کارهایی است که فرد به درستی آن‌ها باور دارد. بنابراین ایجاد تناسب و هماهنگی در بین آنچه فرد به آن اعتقاد دارد و عملکرد او در زمینه‌های مختلف یکی از ارکان صداقت است. به عبارت دیگر، طبق تعریف این مفهوم دربرگیرنده اندیشه، گفتار و رفتار صادقانه است. لذا، می‌توان گفت صداقت شامل بیان صادقانه و مبتنی بر راستی، انسجام گفتار و کردار و اصرار و پافشاری بر حقیقت است. بر این اساس مضامین فرعی ارائه‌شده توسط بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان دال بر اهمیت مؤلفه صداقت و درستکاری در هوش اخلاقی از منظر ایشان است. نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش‌های (Lau and Idris (2005)، Bahrami et al. (2013)، Rafati et al. (2015)، Araste et al. (2009) و Bakhtiari and Soleimani (2018) است. بر این اساس مضامین فرعی ارائه‌شده توسط بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان دال بر اهمیت مؤلفه صداقت و درستکاری در هوش اخلاقی از منظر ایشان است.

۵- توجه به احترام (Attention to respect)

نتایج پژوهش حاضر با نظر Borba (2005) و پژوهش‌های Almasi و Clarken (2009) همسو است. بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان به اهمیت مؤلفه احترام به عنوان یکی

از ارکان هوش اخلاقی واقفند. (Borba (2005 بر این باور است هنگامی که فرد احترام را به عنوان بخشی از زندگی روزانه‌اش در نظر می‌گیرد، ضمن توجه به شرایط و احساسات دیگران، برای خود نیز احترام بیشتری قائل خواهد بود. از منظر دانشجویان نیز برخورد احترام‌آمیز بخش مهمی از زندگی اجتماعی ماست. باید توجه داشته باشیم که در جوامع چند فرهنگی این امر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، به طوری که در تشخیص خوب یا بد بودن یک پدیده، می‌بایست بُعد فرهنگی را نیز در نظر داشت.

۶- برخورداری از نگرش خیرخواهی (Having mercifulness)

دلسوزی به مفهوم مراقبت فعال از دیگران (مهربانی) است. دلسوزی، گسترده‌تر از مراقبت صرف از دیگران بوده و نشان‌دهنده احترام فرد به دیگران نیز می‌باشد که یک اثر دوسویه و قابل بازگشت نیز دارد، زیرا در تعاملات اجتماعی، غالباً وقتی که انسانی مهربان و دلسوز در شرایط بحرانی قرار گیرد دیگران نیز در برابر او رفتاری همدلانه را پیش می‌گیرند (Lau & Idris, 2005). بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان به اهمیت مؤلفه‌های خیرخواهانه که نشان از وجود همدلی، مهربانی و دلسوزی در فرد است، به عنوان یکی از ارکان هوش اخلاقی اذعان داشتند که این یافته با نظر (Borba (2005 و (Lennick and Kiel (2005 همخوان است.

بر اساس باور مصاحبه‌شوندگان با توجه به ماهیت حرفه مشاوره به عنوان حرفه یاورانه، وجود حس دلسوزی و مهربانی و اراده برای مراقبت از دیگران دارای اهمیت ویژه‌ای است. مهربانی و شفقت موجب شکل‌گیری احساس همدلی نسبت به مراجعین می‌شود، که به نوبه خود موجب شکل‌گیری رابطه حسنه مشاور با مراجع می‌شود. مهربانی به مشاور کمک می‌کند که با افراد دارای اختلال که برقراری ارتباط با آن‌ها مشکل است، رابطه برقرار کند. مهربانی برای تقویت علاقه اجتماعی و تعلق داشتن به یک گروه یا اجتماع اهمیت دارد.

همچنین یکی از مضامین فرعی این اصل، همدلی است. نتایج حاصل از این پژوهش ضمن همخوانی با نظریه (Borba (2005 با مطالعه (Rezapour et al. (2018 همسویی دارد. از منظر (Coles (1997 آموزش شیوه همدلی و قرار دادن خود در موقعیت‌های مختلف جزئی از آموزش هوش اخلاقی است. چراکه همدلی می‌تواند بر رشد ابعاد دیگر هوش اخلاقی در

کودک مؤثر باشد. همدلی موجب می‌شود کودک بتواند شرایط و موقعیت دیگران هنگام برخورد‌های نامناسب آن‌ها را درک کرده و در نتیجه کنترل عاطفی بیشتری بر رفتار و عملکرد خود داشته باشد (Hoffman, 2001). می‌دانیم در حرفه مشاوره همواره تأکید ویژه بر مؤلفه همدلی وجود دارد. یک مشاور خوب، با شناخت رفتار و گفتار مراجع، مشکل او را درک می‌کند. مشاوره‌ای که به درک مراجع موفق شده باشد می‌تواند خود را به جای او بگذارد و از دریچه چشم او به اطراف بنگرد. نتایج پژوهش Rafati et al. (2015) نشان داد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در مؤلفه همدلی پایین‌ترین نمره را کسب کردند. در پژوهش حاضر گرچه تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به اهمیت مفهوم همدلی در افزایش هوش اخلاقی اشاره کردند اما این تعداد کمتر از نیمی از مصاحبه‌شوندگان بودند. این نتیجه می‌تواند با یافته‌های پژوهش Rafati et al. (2015) همسو باشد. اما از سویی دیگر، این یافته لزوماً بیانگر این نیست که مصاحبه‌شوندگان به اهمیت همدلی در زندگی فردی و حرفه‌ای خود آگاه نیستند. بلکه می‌تواند به این معنا باشد که آنان همدلی را جزء ارکان هوش اخلاقی نمی‌دانند. انجام تحقیقات کمی و کیفی بیشتر در این زمینه می‌تواند در تبیین این پدیده یاری‌گر باشد.

۷- بردباری (Tolerance)

نتایج این پژوهش نشانگر این امر است که دانشجویان دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی بر اهمیت مؤلفه بردباری در گفتار و عملکرد بر رشد هوش اخلاقی واقف هستند؛ ماحصل پژوهش حاضر با نظر Borba (2005) همخوانی دارد. در این راستا بر اساس نتایج پژوهش Gol Mohammadian (2017) یکی از عوامل مهم و مثبت در زمینه سازگاری، تأکید بر پذیرش و هم‌فهمی در زمینه تفاوت‌ها است. این امر با مضمون انعطاف‌پذیری روان‌شناختی که از مضامین فرعی این مؤلفه است همخوانی دارد. همچنین ادبیات غنی فارسی آکنده از مضامینی است که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اهمیت صبر و بردباری می‌پردازد. از زبان حافظ در اهمیت صبر می‌خوانیم: گویند سنگ لعل شود در مقام صبر.

۸- انصاف محوری (Fairness)

از نگاه Almasi (2020) افراد دارای هوش اخلاقی بالا می‌توانند در موقعیت‌های اجتماعی

و در تعامل با همکاران و سایر افراد سازمان ارزش‌های اخلاقی مثل انصاف و احترام متقابل را رعایت نموده که این امر به مرور سبب دلگرمی و امنیت خاطر بیشتر فرد مقابل شده و سبب دل‌بستگی شغلی بیشتر در وی می‌گردد. نتایج این پژوهش با دستاورد پژوهش حاضر همسو است. همچنین یافته‌های پژوهش با نظر Borba (2005) در ارتباط با اهمیت مؤلفه انصاف در هوش اخلاقی همخوانی دارد. از منظر مصاحبه‌شوندگان وجود انصاف به فرد کمک می‌کند شرایط دیگران را درک کند و سبب می‌شود فرد علاوه بر منفعت (مادی و معنوی) خود به منفعت دیگری هم توجه کرده و نهایتاً موجب عدم استفاده نامطلوب فرد از جایگاه شغلی و اجتماعی‌اش می‌شود.

۹- گذشت (Forgiveness)

از منظر Lau and Idris (2005) در تعاملات اجتماعی، بخشش اصلی بنیادین است زیرا بدون وجود بردباری در برابر خطاها و پذیرش کاستی‌های دیگران، انسان تبدیل به موجودی سخت و غیر قابل انعطاف شده و سطح رفتارهای نیکو در جامعه کاهش می‌یابد. بخشش شامل درک نیازهای روحی و روانی خود و دیگران، درک احساسات آن‌ها و نیز گذشتن از اشتباهات خود و خطاهای دیگران است. نتایج پژوهش حاضر همسو با نظریه (Lennick & Kiel (2005) و Rafati et al. (2015) است. با توجه به اینکه بستر مشاوره بر پایه روابط انسانی قرار دارد، اهمیت گذشت غیر قابل انکار به نظر می‌سد. بخشش اشتباهات خود سبب می‌شود تا فرد از ذهنیات و تفکرات خود تخریب‌گر فاصله گرفته و به جبران عملی خطاها و اشتباهات خود بپردازد و انرژی خود را صرف بهبود تعاملات روزمره و حرفه‌ای خود کند. در ارتباط با دیگری هم گذشت جز غیر قابل انکار رابطه است چه در محیط کار با همکاران و مراجعان و چه در زندگی شخصی. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ادراک دانشجویان دکتری مشاوره از مفهوم هوش اخلاقی بود. چرا که عملکرد اخلاقی متخصصین این حوزه به‌طور مستقیم بر افراد جامعه تأثیرگذار است و توجه بیشتر به نگرش‌های اخلاقی متخصصین این حرفه می‌تواند به ارتقاء بیشتر عملکرد اخلاقی و حرفه‌ای متخصصان و در نهایت افزایش بهداشت روانی جامعه، منجر شود. نتایج این پژوهش می‌تواند تا حدودی مشخص‌کننده ضعف‌ها، نقاط کور و همچنین نقاط قوت سیستم آموزش عالی در زمینه آگاهی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی در میان دانشجویان مشاوره باشد.

این امر می‌تواند منجر به تدوین و اعتباریابی برنامه‌های آموزشی کاربردی و مؤثر برای دانشجویان، جهت آموزش و ارتقاء ارکان هوش اخلاقی شود. به دست آمدن این اطلاعات کاربردی و در اختیار گذاشتن آن‌ها برای مشاوران، دانشجویان، اساتید، مدیران آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها و به‌ویژه کارشناسان مرتبط با حوزه مشاوره این امید را به وجود می‌آورد که ایجاد محیط آموزشی مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی می‌تواند بر طیف گسترده‌ای از دستاوردهای آموزشی و حرفه‌ای در حوزه مشاوره و توسعه ذهنی و اخلاقی دانشجویان منشأ اثر باشد.

نتایج بررسی ادراک دانشجویان دکتری مشاوره از مفهوم هوش اخلاقی نشان داد آنان هوش اخلاقی را کنشی آگاهانه ادراک می‌کنند که هم در زندگی شخصی و هم در فرایند مشاوره کاربرد قابل توجهی دارد. از منظر ایشان این امر در ابتدا شامل آگاهی از مفهوم و ارکان هوش اخلاقی است. چرا که لازمه هر عمل و اقدامی در مورد یک پدیده، شناخت آن است. در گام بعدی اهمیت این مفهوم در مؤلفه خودآگاهی و خودشناسی نمود پیدا می‌کند. این توجه آگانه بر نگرش فرد نسبت به جهان هستی و به تبع آن حرفه خویش تأثیرگذار است. وجود مؤلفه‌هایی چون علاقه اجتماعی و احساس همدلی منجر به ایجاد انگیزه‌های یاری‌گرانه در وی خواهد شد. به گونه‌ای که فرد همواره در تلاش برای مراقبت از سایرین از جمله مراجعین خود باشد و از آسیب‌های احتمالی که متوجه دیگران است ممانعت به عمل آورد. نتایج همچنین نشان داد که مشارکت‌کنندگان در پژوهش به اهمیت انصاف و احترام که از ارکان هوش اخلاقی هستند در زندگی خود واقف‌اند. از منظر مشارکت‌کنندگان وجود انصاف به فرد کمک می‌کند شرایط دیگران را درک کند و سبب می‌شود فرد علاوه بر منفعت (مادی و معنوی) خود به منفعت دیگری هم توجه کرده و نهایتاً موجب عدم استفاده نامطلوب فرد از جایگاه شغلی و اجتماعی‌اش می‌شود.

از منظر دانشجویان دکتری مشاوره از سوی دیگر، هوش اخلاقی در عمل و رفتار آن‌ها تأثیرگذار است، پرورش هوش اخلاقی با تشخیص موقعیت اخلاقی و عملکرد براساس اصول اخلاق به فرد کمک می‌کند از آسیب زدن به خود و دیگران جلوگیری کند. همخوانی بین اصول اخلاقی که شخص به آن باور دارد سبب صداقت در کلام و شفافیت در عملکرد می‌شود. در آخر نیز تلاش برای ایجاد انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و ایجاد ظرفیت بالای روانی در راستای بردباری و گذشت در فرد منجر به برقراری رابطه مبتنی بر اعتماد با دیگران شده و

بازده حرفه فرد را نیز افزایش می‌دهد.

جامعه پژوهش حاضر شامل دانشجویان دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود. به همین جهت نتایج حاصل از این پژوهش ممکن است در سال‌های دیگر، گروه‌های سنی و رشته تحصیلی متفاوت دانشجویان تغییر یابد. همچنین باید توجه داشت که انجام مصاحبه مجازی دارای محدودیت‌های ذاتی، از جمله از دست دادن اطلاعات غیرکلامی است. در آخر اینکه تلاش شده است نظر پژوهشگر در فرایند پژوهش دخیل نشود اما رعایت تعلیق (epoche) به‌طور کامل میسر نبوده است.

با توجه به اینکه دانشجویان جمعیت وسیعی را تشکیل می‌دهند، برنامه‌ریزی و بسترسازی فرهنگی برای دانشجویان می‌تواند به بهبود زندگی در کل جامعه کمک قابل توجهی نماید. تقویت هوش اخلاقی دانشجویان، می‌تواند به رشد و تثبیت ارزش‌ها، تعهدات و عملکرد مبتنی بر اخلاق در آن‌ها و به تبع آن در جامعه، منتج شود. از این روی پیشنهاد می‌شود، برنامه‌های آموزشی کاربردی و مؤثر برای دانشجویان، جهت آموزش و ارتقاء ارکان هوش اخلاقی مورد تدوین و اعتباریابی قرار گیرند. این امر در مورد رشته‌های یاری‌گر چون مشاوره اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به اینکه یافته‌های این پژوهش حاکی از آگاهی کمتر دانشجویان از مؤلفه‌های گذشت، بردباری و انصاف‌محوری نسبت به سایر ارکان هوش اخلاقی است، پژوهش بیشتر در این زمینه‌ها پیشنهاد می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش بر روی نمونه‌هایی با تناسب بهتر سنی و جنسیتی اجرا شود. بهتر است این موضوع در مقاطع و پایه‌های دیگر تحصیلی و به روش‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، به عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ موسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

References

- Abdolahzadeh, H. (2021). The effect of group reality therapy on moral intelligence and adjustment Academic students. *Journal of School Psychology, 9*(1), 115-133. [Persian]
- Afshani, S. A., & Abooei, A. (2022). Prediction of lifestyle based on spiritual intelligence and moral intelligence in students. *Counseling and Psychotherapy Culture Quarterly, 13*(51), 231-252. [Persian]
- Al-Hussami, M., Hayajneh, F., Abdalkader, R. H., & Mahadeen, A. I. (2001). The effects of undergraduate nursing studentefaculty interaction outside the classroom on college grade point average. *Nurse Education in Practice, 11*(5), 316-320.
- Almasi, M. (2020). Analysis of the relationships between moral intelligence, social capital and job attachment. *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology, 4*(3), 71-75. [Persian]
- Aras, M. (2022). The relationship between academic leaders' moral intelligence and ethical leadership behaviors. *Alanya Academic Review, 6*(3), 3309-3326.
- Araste, M. R., Azizi, S. M., Jafari, R. A. Z., & Mohammadi, J. Z. (2009). Assessing students' ethical intelligence. *Journal of Strategy for Culture, 3* (1011), 14-201.
- Bahrami, M. A., Asami, M., Fateh Zadeh, A., Dehghani Tafti, A., & Ahmadi Tehrani, Gh. (2013). Level of moral intelligence of faculty members and staff of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd. *Iranian Journal of Medical Ethics and History, 5*(6), 75-88. [Persian]
- Bakhtiari, N., & Soleimani, A. (2018). Comparison of moral intelligence and its components in cheating and non-cheating students. *Culture in Islamic University, 7*(2), 206-226. [Persian]
- Beheshtifar, M., Esmaili, Z., & Nekoie Moghadam, M. (2011). Effect of moral intelligence on leadership. *Finance and Administrative Sciences, 43*, 6-11.
- Borba, M. (2005). *Building moral intelligence: The seven essential virtues that teach kids to do the right thing*. San Francisco, 192.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*(2), 77-101.
- Clarcken, R. H. (2009). *Moral intelligence in the schools*. Annual Meeting of the Michigan Academy of Sciences, Arts and Letters Wayne State University, Detroit, MI, 1-9.
- Coles, R. (1997). *The moral intelligence of children: How to raise a moral child*. New York: NAL/Dutton.
- Eldesoki, W. L. M., & Alanazi, M. N. (2020). The effectiveness of a counseling program based on existential therapy for the develop moral intelligence and forgiveness among a sample of Orphan students in

- gurayyat. *International Journal of Sciences and Research*, 3(76), 202-220.
- Eslamian, H., & Zare, Y. (2020). The relationship between the level of moral intelligence and teaching styles of faculty members of the University of Medical Sciences. *Journal of Development Strategies in Medical Education*, 6(2), 10-24. [Persian]
- Fotouhi Ghazvini, F., & Khazaie, Z. (2009). Virtual university moral evaluation. *Quarterly Journal of Ethics Modal in Science and Technology*, 3(1 & 2), 31-42. [Persian]
- Gol Mohammadian, M. (2017). The effects of teaching moral, spiritual and cultural intelligence On the family performance of women. *Cultural and Educational Quarterly of Women and Family*, 10(34), 6-52. [Persian]
- Haddadi Ahmadsarai, S., Noami, A., & Hoseini Moghadam, A. (2018). Examining the negative effect of imposing discordant emotions on psychological health and commitment employees' emotions: The moderating role of emotional intelligence and psychological capital. *Journal of Psychological Achievements*, 25(2), 151-162. [Persian]
- Hoffman, M. L. (2001). Empathy and moral development: Implications for caring and justice. *USA: Cambridge University Press*, 42-58.
- Jafari, E., Pourmohseni, F., Ghobadi, Z., & Taklavi Varniab, S. (2020). The role of moral intelligence and psychological capital in predicting the social capital of soldiers. *Military Psychology*, 11(41), 27-39.
- Kubzansky, L. D., Huffman, J. C., Boehm, J. K., Hernandez, R., Kim, E. S., Koga, H. K., et al. (2018). Positive psychological well-being and cardiovascular disease: JACC health promotion series. *Journal of the American College of Cardiology*, 72(12), 1382-1396.
- Lau, H. C., & Idris, M. A. (2005). Soft foundations of the critical success factors on TQM implementation in Malaysia. *TQM Magaz*, 13(4), 51-62.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2005). Moral intelligence: The key to enhancing business performance and leadership success. Wharton School Publishing. *USA, An imprint of Pearson Education*, 5-45.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2008). *Moral intelligence: Enhancing business performance & leadership success*. Pennsylvania, Wharton School Publishing.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2011). *Moral intelligence: Enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. New York, Prentice Hall.
- Martin, D. E., Rao, A., & Sloan, L. R. (2009). Plagiarism, integrity, and workplace deviance: A criterion study. *Ethics & Behavior*, 19(1), 36-50.
- Naqashzadeh, M., & Sabahizadeh, M. (2016). The effect of training moral intelligence components on the social interaction of female junior high

- school students. *Academic Journal of Psychological Studies*, 5(2), 152-158.
- Narimani, M., Mohammadi, G., Almasirad, N., & Mohammadi, J. (2018). The role of moral intelligence and risk perception in predicting academic burnout and Student negligence. *Journal of School Psychology*, 2(6), 124-145. [Persian]
- Rahimi, G. R. (2011). The implication of moral intelligence and effectiveness in organization: Are they interrelated? *Inter J Marketing Technol*, 1(4), 68-73.
- Rafati, Sh., Rezhe, N., Ahmadi Roshan, T., & Mohammad Dolati, A. (2015). Moral intelligence of medical students of universities Medical Sciences of Tehran. *Quarterly Journal of Medical Moral*, 8(28), 71-91. [Persian]
- Rathore, K. S., Rathore, K. S., & Mehdi, Y. (2020). Spiritual intelligence at workplace leads to satisfaction in professional life. *Our Heritage*, 68(51), 145-148.
- Rezapour Mirsaleh, Y., Kheradmand, T., & Shahedi, S. (2018). The effectiveness of moral intelligence training on social performance and behavioral problems. *Quarterly Journal of Moral in Science and Technology*, 12(4), 48-59. [Persian]
- Shahbazian Khonigh, A., Sheikh Alizadeh, S., Mohammadian Gharibeh, A. A., Rashbaridibavar, M., Alipour, F., & Anahid, E. (2020). The diagnostic role of moral intelligence, mindfulness and mobile phone addiction in students' suicide risk. *New Educational Ideas*, 15(4), 203-220. [Persian]
- Shahbazian Khonigh, A., Soleimani, O., & Hasani, S. (2019). Investigating the role of moral and social intelligence in students' high-risk behaviors Kurdistan University of Medical Sciences in the academic year 1-16. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 17, 39-52. [Persian]
- Shahni Yilagh, M., Shojai, A., Behrouzi, N., & Maktabi, Gh. (2011). The relationship between emotional intelligence and social skills with psychological well-being in female students of Shahid Chamran University. *Journal of Psychological Achievements*, 4(3-18), 73-92. [Persian]

